

نفت شمال، امنیت، توسعه و اقتصاد؛ بازی بزرگ جدید

بیژن مستقل • سردبیر |

زمین‌شناسی اقتصادی پهنه‌های رسوبی شمالی کشور از غرب به شرق (کپه‌داغ، خزر، مغان) قسمتی از حوزه‌ی جغرافیایی اوراسیا Eurasia و دو حوزه‌ی عمده‌ی انرژی آن (سیبری غربی - اورال و خزر) است که با پتانسیل ۳۸ درصد گاز، ۶ درصد نفت و ۲۸ درصد ذغال‌سنگ جهان پس از حوزه‌ی خلیج فارس دومین قطب انرژی بین‌المللی در منطقه است و کشورهای همسایه در حال حاضر و البته از دیرباز در توسعه‌ی آن در تکاپو بوده و هستند.

تا سال ۱۹۰۰ حوزه‌ی باکو تقریباً نصف نفت‌خام جهان را تأمین کرده است. در مورد ذخایر نفتی کشور در سیستم هیدروکربنی خزر تا کنون تخمین‌های ۳۳-۱۶ میلیارد بشکه نفت و ۳۴۰ تریلیون فوت مکعب گاز ارائه شده است. در سال ۲۰۰۵ حوزه‌ی دریای خزر ۱/۹ میلیون بشکه در روز نفت تولید داشته که در سال ۲۰۱۲ به ۲/۶ میلیون بشکه در روز رسیده است. این منطقه از دیرباز از نظر ژئوپلیتیک و البته ژئو اکونومیک مورد مناقشه‌ی غرب و شرق بوده است. عدم توفیق مدیریت کشور در بهره‌برداری از نفت شمال را می‌توان از سقوط دولت مستعجل سید ضیاء‌الدین طباطبایی در خرداد ۱۳۰۰ و جایگزینی نخست‌وزیر جدید، یعنی احمد قوام‌السلطنه (برادر وثوق‌الدوله نخست‌وزیر زیرک و آداب‌دان قبل از کودتای ۱۲۹۹) و سیاست موازنه و مهار شرق توسط غرب او با قرارداد نفت شمال به سمت آمریکایی‌ها پیگیری کرد که با اعتراضات انگلیس و روسیه روبرو شد و کم‌کم استاندارد اوایل آمریکایی را وادار به عقب‌نشینی کرد. البته اعطای همین امتیاز به شرکت سینکлер هم به ترور رابرت ایمبری در ۲۷ تیر ۱۳۰۳ منجر شد که با پرداخت ۶۰ هزار دلار غرامت و محاکمه و اعدام سه ایرانی مظنون منتفی گردید. پس از انقلاب حسب مطالعات سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۷۸ توسط کنسرسیوم چهارگانه‌ی شرکت‌های

شل-وبا-لازمو با شرکت ملی نفت ایران تحت عنوان مطالعات SCSG، ذخایر کشور در حوزه‌ی خزر ۱۲۸ میلیارد بشکه معادل نفت‌خام در ۴۶ ساختار و بستگی هیدروکربنی تخمین زده شد.

قابل توجه است که صندوق نفتی آذربایجان SOFAZ از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ درآمدی بیش از ۱۱۳ میلیارد دلار از میادین نفت و گاز خزر کسب کرده و در حال حاضر بر اساس قراردادهای مشارکت در تولید اخیر ۴۰ میلیارد دلار جهت توسعه‌ی میادین خود سرمایه جذب کرده است. اکتشاف نفت سبک از عمق حدود ۲۵۰۰ متری از عرشه‌ی سکوی حفاری در اوایل سال ۱۳۹۱ در عمق بیش از ۷۰۰ متر آب (DeepWater) و ورود ایران به فن‌آوری حفاری در آب عمیق در میدان سردار جنگل راه را برای ورود به طرح راهبردی توسعه‌ی میادین نفت خزر (سردار جنگل، البرز و ...) باز می‌کند.

در واقع سیاست تعیین و تثبیت خطوط مرزی به تعیین و تثبیت دارایی‌های هیدروکربنی کشورمان در دریای خزر بستگی پیدا خواهد کرد. در حال حاضر دکترین جدید مدیریت نفت خزر بر تعامل با همسایگان شریک، همکاری‌های بین‌المللی در قالب قراردادهای نوین و جذب سرمایه در خصوص توسعه‌ی زود هنگام این منابع استراتژیک نهاد شده است. نقش روسیه و آمریکا در سیاست‌های توسعه‌ی این ناحیه بر کسی پوشیده نیست. متحدان این دو ابرقدرت در جمهوری‌های نوبنیاد قفقاز و نیاز آنها به کمپانی‌های غربی برای توسعه‌ی منابع انرژی خود در این حوزه و نقش انتقال انرژی با خطوط لوله‌ی استراتژیکی چون ترانس کاسپین، جیهون، نوباکو و ... و مسائلی مثل رژیم حقوقی دریای خزر به شدت توسط این کشورها پیگیری می‌شود.

در اکتبر ۱۹۹۳ کنفرانسی بین‌المللی با حضور

چهار کشور همسایه‌ی ایران در خزر علیه ایران انجام شد و روسیه نگران متحدان آمریکا مثل اسرائیل و ترکیه در این منطقه است.

بر این اساس حضور مقتدرانه و با برنامه‌ای مدون جهت توسعه‌ی در این حوزه توسط وزارت نفت و وزارت امور خارجه با پشتیبانی نهادهای حاکمیتی و به‌خصوص شورای عالی امنیت انرژی و تدوین مدل قراردادهای هم‌پایه و جذاب سرمایه‌ی لازم در رقابت با دیگر همسایگان و البته مدیریت و هدایت میدانی شرکت نفت خزر در بخش بین‌الملل می‌تواند پس از گذشت یک سده نوید اقتصاد پویایی را در بخش شمالی کشور به ارمغان آورد.

بدیهی است توسعه‌ی نظام بنگاه‌داری اقتصادی کشور در بخش بالادستی مستلزم تصمیمات به‌موقع و سیستماتیک در تبیین اهداف کوتاه‌مدت و درازمدت خواهد بود و در پورتفولیوی ریسک و ارزش مالی دارایی‌های ما، چه با نگاه مقطعی و چه از دیدگاه بین‌نسلی نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که محصولات تولیدی کشور در بخش هیدروکربنی از کشش زمانی و محدودیت‌های

جبری و خاص جهانی تبعیت می‌کنند. دیپلماسی مشارکت با همسایگان در توسعه با مدل یک‌پارچه‌سازی (Unitization) بسیار خوش‌بینانه اما ممکن است. البته در حداقل زمان ممکن می‌توان از مدل مشارکت در تولید با محدودیت‌های سرمایه‌ای موجود و اقتصاد بهره‌برداری در آبهای عمیق از آن بهره‌جست.

